

طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری (مطالعه موردی: زنان فقیر شهری تحت پوشش کمیته امداد شهرستان ارومیه)

محمدجواد زاهدی^۱، پروانه دانش^۲، فیروز راد^۳، رضا مجرب قوشچی^{۴*}

چکیده

شواهد موجود نشان می‌دهد زنان فقیر شهری به شکل‌های گوناگونی از طرد اجتماعی رنج می‌برند. این مقاله در سطح خرد و زندگی روزمره به جست‌وجوی ریشه‌های طرد اجتماعی در زندگی آن‌ها پرداخته و سعی کرده است بعضی از ابعاد این مسئله را روشن کند. روش تحقیق کیفی است و داده‌های تحقیق از مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ زن تحت پوشش کمیته امداد شهرستان ارومیه به دست آمده و نتایج با استفاده از رهیافت گراند تئوری تحلیل شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در زندگی این دسته از زنان، ۵ مقوله عمده در شکل‌گیری طرد اجتماعی نقش دارد که عبارت‌اند از: «ضعف سرمایه فرهنگی»، «محدودیت‌های مادی»، «رویکرد منفی به فقرا»، «طرد ناشی از تجرد» و «حوادث منفی زندگی». دو مقوله عمده «اجتناب از ادغام اجتماعی» و «عواطف منفی» از پیامدهای این مسئله‌اند که باعث تقویت و تداوم این پدیده می‌شود. مقوله نهایی هسته، که دربرگیرنده کل فرایند شکل‌گیری طرد اجتماعی است، با عنوان «شکست هنجار- پیوند» مطرح شده است. درخصوص شیوه‌های ایجاد طرد اجتماعی، شکل‌های بسیار ظریفی از خوارسازی و محرومیت در زندگی زنان فقیر وجود دارد که با رویکردهای کمی یا اقتصادی قابل شناسایی نیستند.

کلیدواژگان

زنان فقیر شهری، طرد اجتماعی، کمیته امداد امام خمینی، گراند تئوری.

m_zahedi@pnu.ac.ir
p_danesh@pnu.ac.ir
rad_291@yahoo.com
reza_mojarab@yahoo.com

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران
۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران
۳. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تبریز
۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۷

مقدمه

در بین بخش‌های مختلف جمعیت، زنان از جمله گروه‌هایی هستند که به دلایل مختلف، به‌مثابه یکی از گروه‌های هدف در معرض طرد اجتماعی^۱ قرار دارند. در بسیاری از اجتماعات سنتی، زنان کمتر از مردان در مکان‌های عمومی دیده می‌شوند و صدایشان شنیده می‌شود. مشارکت زنان در بعضی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محدود به نقش‌های زنانه و سنتی است؛ مثلاً، درخصوص حضور زنان در بازارهای مالی کشور، مشخص شده است که بیش از یک‌چهارم زنان هیچ ارتباطی با نظام بانکی ندارند و از حدود ۴۰ درصد زنانی که به درخواست وام نیاز داشتند، ۱۱/۵ درصد تقاضای وام کرده و فقط ۶/۵ درصد موفق به دریافت وام شده‌اند [۴]. همچنین، شواهد آماری نشان‌دهنده محدودیت تنوع شغلی و فرصت‌های کمتر ارتقای شغلی برای زنان است [۲۱]. ضمن اینکه مشارکت سیاسی زنان در مقایسه با مردان کمتر است [۷]. البته در فهم مسائل زنان و مهم‌تر از آن تدوین سیاست‌های اجتماعی مرتبط با آن باید توجه داشت که زنان جمعیت همگن نیستند و از لحاظ طرد اجتماعی نیز همه آن‌ها به یک اندازه دچار این پدیده نیستند. در بین گروه‌های مختلف زنان، زنان فقیر شهری علاوه بر محدودبودن در نقش‌های خاص، به علت فقر و تنگدستی در معرض طرد و حاشیه‌نشینی بیشتری نسبت به حیات اجتماعی قرار دارند. فقر یکی از بنیان‌های اصلی طرد اجتماعی است و در بسیاری از کشورهای جهان، فقر و طرد اجتماعی در هم تنیده شده‌اند. با اینکه این دو پدیده از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد مفهومی مجزا هستند و فقیربودن لزوماً به معنای مطرودبودن نیست [۲۴]، فقر به شیوه‌های مختلف کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و احتمال حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی را افزایش می‌دهد.

بنابر آنچه آمد، واقعیات روابط اجتماعی در زندگی روزمره، مبین وجود شکل‌هایی از طرد اجتماعی در زندگی زنان شهری است و این وضعیت در زندگی زنان فقیر، به علت رابطه فقر و طرد اجتماعی، محسوس‌تر و گسترده‌تر است. بررسی‌های به‌عمل‌آمده بر روی زنان فقیر شهری، نشان می‌دهد که این گروه از زنان شبکه روابط اجتماعی بسیار محدودی دارند، میزان اعتمادشان بسیار پایین و فرصت‌هایشان برای کسب مهارت و کارکردن بسیار کمتر است [۹]. در پژوهش دیگری که بر این بخش از زنان شهری انجام گرفت، مشخص شد که در زندگی این زنان، علاوه بر عناصر عمومی فقر (همچون مسکن) مسائل متعدد دیگری همچون مسئولیت‌گریزی، مشارکت‌گریزی، ازدواج اجباری، خطرپذیری پایین و... وجود دارد که نشان‌دهنده وجود شکل‌های گوناگون طرد اجتماعی در زندگی آن‌هاست [۱۶]. درواقع، این گروه از زنان، از آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه‌اند و با داشتن دو مشخصه مهم، یعنی زن‌بودن و

درعین حال فقیربودن، منطقاً و عموماً جزء گروه‌های آسیب‌پذیر در زمینه طرد اجتماعی محسوب می‌شوند.

در این تحقیق، با توجه به تجانس فرهنگی و دسترسی محقق، زنان فقیر شهرستان ارومیه برای مطالعه انتخاب شده‌اند تا بدین‌وسیله درک گسترده‌تری از ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی محرومیت در زندگی آن‌ها به‌دست آید. پرسش‌های اساسی تحقیق عبارت‌اند از اینکه این گروه از زنان، چگونه در مسیر زندگی از جریان اصلی اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند؟ چه عللی در فرایند طرد آن‌ها مؤثر است و این پدیده چه پیامدهایی برای آن‌ها دارد؟

دیدگاه‌ها و نظریه‌های طرد اجتماعی

در تحلیل طرد اجتماعی و دیدگاه‌های ارائه‌شده پیرامون این مسئله، مشهورترین دسته‌بندی متعلق به سیلور (۱۹۹۵)، جامعه‌شناس معاصر امریکایی، است. او برای تبیین منابع و ماهیت طرد اجتماعی سه پارادایم ذیل را ارائه کرده است:

۱. پارادایم همبستگی

طبق این دیدگاه، از آنجا که پایه انسجام اجتماعی بر همبستگی ارگانیک میان افراد و جامعه قرار دارد و نظم اجتماعی از یک‌سو مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و از سوی دیگر سیاست‌های اجتماعی ادغام‌گر انتظام می‌یابد، طرد اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد و گروه‌ها از مرز هنجارهای مفروض جامعه عبور کنند و از مشارکت اجتماعی فاصله گیرند [۲۷]. طبق این رویکرد، طرد اجتماعی به‌مثابه فرایند پویای سلب صلاحیت اجتماعی دیده می‌شود که به موجب آن، روابط بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقض و قطع می‌شود. ویژگی ممتاز این رویکرد آن است که در آن نقشی محوری به پیوستگی و مسئولیت اجتماعی داده می‌شود. طرد اجتماعی نه‌تنها بیانگر رفتار هر فرد است، بلکه ناتوانی دولت‌ها در تأمین همبستگی اجتماعی را نشان می‌دهد [۱۵]. براساس این دیدگاه، طردشده فردی خارج از ساخت اجتماعی است که باید به درون آن بازگردد و راه‌حل آن نیز ادغام دوباره فرد در نهادها و روابط اجتماعی است. این دیدگاه کارکردگرایانه، طرد اجتماعی را در نقطه مقابل ادغام اجتماعی قرار می‌دهد. دیدگاه دورکیم نمونه‌ای از این رویکرد است. در نظریه همبستگی دورکیم، طرد به معنای گسسته‌شدن پیوندهای فرد با جامعه است که در نتیجه ناکارآمدی تقسیم کار نوین در حفظ انسجام اجتماعی به‌وجود می‌آید [۵].

۲. پارادایم تخصصی شدن

مطابق با این پارادایم، نظم اجتماعی به‌مثابه شبکه‌هایی از مبادلات داوطلبانه بین افراد گروه‌های اجتماعی مستقل و خودمختار دیده می‌شود که مبتنی بر منافع، علایق، ارزش‌ها و انگیزه‌های آن‌هاست. طرد اجتماعی زمانی پدید می‌آید که جامعه دچار تمایز ناکافی و نابسندگی قلمروهای اجتماعی است و تنظیمات و مقررات نامناسبی برای یک عرصه معین به کار می‌بندد یا موانعی را برای حرکت و مبادله آزاد در یک عرصه یا میان عرصه‌های مختلف اعمال می‌کند [۱۴]. در این پارادایم، افراد در هر حال مسئول اقدامات خودند و در یک مسیر رقابتی با انتخاب و عاملیت خود در جامعه ادغام یا از آن طرد و محروم می‌شوند [۱۵].

۳. پارادایم انحصار

در این پارادایم، طرد اجتماعی حاصل روابط قدرت است. در این رویکرد، انحصار و کنترل منابع و امتیازات از سوی گروه‌های دارای قدرت از طریق انسداد اجتماعی و طرد گروه‌های فاقد قدرت از صحنه، شکل می‌گیرد و تداوم پیدا می‌کند. لذا طرد با محروم‌سازی مترادف و مشابه تبعیض—نابرابری در فرصت‌ها— قلمداد می‌شود [۱۵]. ریشه این نوع اندیشه‌ها را می‌توان در آرای کارل مارکس و ماکس وبر جست‌وجو کرد. با استنباط از آرای آن‌ها، می‌توان گفت طرد اجتماعی، از نظر مارکس، نتیجه روابط استثمارگراییانه و پرولتاریزه شدن است و از نظر وبر، نتیجه قدرت نهادینه شده در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است [۲۰].

پیشینه تحقیقات

پژوهش‌های مختلفی روی طرد اجتماعی انجام شده است. یکی از تحقیقات داخلی که در این حوزه انجام گرفته، پژوهش فیروزآبادی و صادقی بر روی زنان فقیر روستایی است. آن‌ها در بخشی از یافته‌های خود و در رتبه‌بندی ابعاد طرد نشان دادند که این گروه از زنان در بُعد «حمایت بین گروهی» طرد شدید و در بعد شرمساری اجتماعی و مشارکت غیررسمی طرد خفیفی را نسبت به سایر ابعاد طرد تجربه می‌کنند [۱۳]. محققان مذکور در تحقیق دیگری به بررسی میزان طرد اجتماعی برحسب اشتغال و محل اقامت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که زنان فقیر شاغل و بومی نسبت به زنان غیرشاغل و مهاجر در بعضی از ابعاد، همچون شبکه‌های حمایتی درون گروهی و بین گروهی، میزان طرد کمتری را تجربه می‌کنند. در تحقیق دیگری از همین پژوهش‌گران، مشخص شد که برخی گروه‌های اجتماعی نظیر کودکان، سال‌خوردگان، معلولان و اقلیت‌های قومی و دینی در عرصه تبلیغات سیاسی به‌شدت در معرض طرد قرار دارند [۱۴].

غفاری و امیدی در پژوهشی نحوه چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه طرد اجتماعی را به لحاظ تاریخی و با روش اسنادی تحلیل و ارزیابی کردند. براساس یافته‌های این پژوهش، جایگزینی مفهومی طرد اجتماعی به جای فقر بر این استدلال استوار است که مفهوم طرد اجتماعی مفهومی پویاست که بیانگر فرایندها و نیز موقعیت‌های حاصل از آن است و متشکل از طیفی با ابعاد چندگانه است و برای بررسی تغییرات ساختاری مناسب است [۱۲].

بلالی در یک مطالعه طولی، به بررسی تخصیص بودجه استان‌های مختلف پرداخت تا بدین‌وسیله احتمال وجود طرد مادی و طرد از فرایند توسعه را بین استان‌های قومی‌نشین (ترک و کرد) نشان دهد. وی در تحقیق خود نتیجه گرفت که شواهد آماری وجود چنین طردی را تأیید نمی‌کنند و ادعای بی‌عدالتی قومی از این لحاظ واقعیت ندارد [۲].

صدیق سروستانی و نصر اصفهانی نیز در پژوهشی کیفی با عنوان «اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران» نتیجه گرفتند که سه عامل اعتیاد به مواد مخدر، ناتوانی‌های جسمی-روانی و تطابق نداشتن با محیط پس از مهاجرت، از عوامل تسهیل‌کننده ورود افراد به مسیر بی‌خانمانی است [۱۰]. برخی تحقیقات روان‌شناختی نیز درباره طرد انجام گرفته است؛ مثلاً، ارشدی با همکارانش در یافته‌های خود نشان دادند که ادراک طردشدگی در محیط کار با رفتارهای انحرافی سازمانی و رفتارهای انحرافی بین‌فردی رابطه مثبت دارد [۱].

باید یادآور شد که علاوه بر مطالعاتی که مستقیماً با هدف بررسی طرد اجتماعی انجام گرفته‌اند، در تحقیقات مربوط به توانمندسازی، فقر و محرومیت نیز به موضوع طرد اجتماعی پرداخته شده است. یک نمونه از این تحقیقات، بررسی شادی‌طلب و همکارانش است. آن‌ها در تحقیق خود نشان دادند که زنان به دلیل زن‌بودن بیشتر در معرض طرد اجتماعی قرار دارند و برای کاهش این مسئله به تحولات ساختاری نیاز است [۹].

پاچمن [۲۶] نیز در پژوهشی طولی، زمان و شیوع ازدواج و تشکیل خانواده و تولد فرزند را شاخص‌های ادغام اجتماعی مهاجران در شهر آنور و استکهلم در نظر گرفت و نشان داد که اشخاصی که قادر به یافتن همسر، ازدواج و تشکیل خانواده و داشتن فرزند نیستند به لحاظ اجتماعی مطرودند.

رومن و هاف [۲۹] در تحقیقی تلفیقی در هلند تلاش کردند مقیاسی جامع برای سنجش مفهوم طرد اجتماعی بسازند. آن‌ها در تحقیق خود چهار بعد حقوق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، محرومیت مادی و ادغام فرهنگی را برای مفهوم طرد اجتماعی تشخیص دادند و با کاربرد آن بر جمعیت هلند نشان دادند که افراد با درآمد و تحصیلات پایین، تک‌والد و افراد دارای مشکلات سلامتی بیش از دیگران احتمال دارد دچار طرد شوند. بایرام [۲۳] در پژوهشی با رویکرد طرد اجتماعی و با استفاده از مقیاس رومن و هاف به مطالعه میزان احساس طرد اجتماعی بین جمعیت کشور ترکیه پرداخت و نشان داد که ۲۵ درصد از جمعیت مطالعه‌شده

احساس طرد اجتماعی می‌کنند و بین این جمعیت به ترتیب افراد فقیر، بی‌سواد، مسن و مجرد و افراد فاقد مسکن بیشترین احساس طرد را دارند.

تحقیق ایب آیا کا [۲۲] در ژاپن نشان داد بخش‌هایی از جمعیت که در مقابل طرد اجتماعی بیشترین آسیب‌پذیری را دارند لزوماً در فقر درآمدی قرار ندارند. طبق نتایج تحقیق وی، محرومیت در مراحل اولیه زندگی بر بعضی از ابعاد طرد در بزرگسالی، حتی پس از کنترل درآمد، شغل و وضعیت تأهل تأثیر دارد.

به‌طور کلی، مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهند که طرد اجتماعی پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و در شکل‌های گوناگون است. بعضی از آن‌ها دیده نمی‌شوند، اما احساس می‌شوند. برخی دیگر رؤیت می‌شوند، اما کسی در مورد آن صحبت نمی‌کند. و بالاخره، بعضی از شکل‌ها کاملاً پنهان‌اند و ما شاید حتی وجود آن‌ها را حدس نمی‌زنیم.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی است. با توجه به پیچیدگی‌های موجود در مسئله طرد اجتماعی و تأکید ایده طرد بر فرایندهای تشدیدکننده محرومیت، سازوکارها و مسائل رابطه‌ای موجود در زندگی طردشدگان، روش کیفی مناسب‌تری با این نوع هدف‌های پژوهشی دارد. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌طراحی‌شده از نوع مسئله‌مدار^۱ استفاده شده است. با استفاده از این نوع مصاحبه، که ویتزل پیشنهاد کرده است، گردآوری داده‌های زندگی‌نامه‌ای در رابطه با یک مسئله ویژه (در تحقیق حاضر طرد) امکان‌پذیر می‌شود [۳]. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از راهبرد گراند تئوری استفاده شده است. در این راهبرد، تحلیل در سه مرحله کدبندی (کدبندی باز، کدبندی محوری، کدبندی گزینشی) انجام می‌گیرد و گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند [۲۱]. در تحقیق حاضر، پس از انجام دادن کدبندی باز و در مرحله کدگذاری محوری، سعی شده از خانواده کدگذاری نظری، از نوع پیوندها (علل، پیامدها، همبستگی‌ها، فشارها) استفاده شود و روابط بین مقولات اصلی براساس یک مدل پارادایمی، که متضمن شرایط علی، پدیده، زمینه و راهبردها و پیامدهاست، ترسیم شود.

جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان و دختران تحت پوشش کمیته امداد شهرستان ارومیه در سال ۱۳۹۵ است که تعدادشان در سال مذکور جمعاً ۴۱ هزار و ۶۲ نفر بود. علت انتخاب این زنان به این دلیل بود که افراد تحت پوشش این سازمان، هم از نظر معیارهای این سازمان دولتی و هم از نظر شهروندان جامعه، فقیر شمرده می‌شوند. برای تعیین نمونه، از روش

نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌بندی شده برحسب رده‌های سنی و دلیل تحت پوشش بودن (همچون بی‌ضاعت بودن، فوت همسر، ازکارافتاده بودن، ...) استفاده شده است. پس از انجام ۳۲ مصاحبه عمیق و ساخت‌نیافته اشباع نظری به دست آمد. مصاحبه‌ها همگی با زنانی در دامنه سنی ۲۰ تا ۵۵ سال انجام شده است.

توصیف و ویژگی‌های نمونه

شرکت‌کنندگان این تحقیق را می‌توان در سه دسته قرار داد: دسته اول شامل ۱۶ زن متأهل هستند که همسرانشان از کارافتاده، مریض، فاقد درآمد یا زندانی بودند. دسته دوم ۱۰ زن فاقد شوهر (بیوه یا مطلقه) و دسته سوم ۶ دختر جوان مجرد بوده‌اند. از لحاظ وضعیت تحصیلات یک نفر لیسانس، ۳ نفر دانشجوی دوره کارشناسی و ۶ نفر دیپلمه بودند و بقیه زنان بی‌سواد یا تحصیلاتشان در سطح ابتدایی، راهنمایی یا زیر دیپلم (تحصیل در مقطع متوسطه) بود. همچنین ۳ نفر از زنان مشاغل موقتی (یک نفر آرایشگر مبتدی، یک نفر نگهداری از زن سالمند در منزل و یک نفر کار پاره‌وقت در شرکتی خصوصی) داشتند و بقیه زنان خانه‌دار بودند.

یافته‌ها و نتایج مطالعه

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، در مرحله کدگذاری باز ۲۰ مفهوم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری ۹ مقوله عمده و در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله محوری استخراج شدند.

جدول ۱. مفاهیم، مقولات عمده و مقوله محوری هسته استخراج شده از داده‌های کیفی

مفاهیم اولیه	مقوله عمده	مقوله هسته
بی‌اعتمادی به فقرا، طعنه‌زنی به فقرا، فقیر به‌مثابه تهدید	رویکرد منفی به فقرا	
ناتوانی در مصرف کالا، ناتوانی در تبادل کالا، ناتوانی در دسترسی به خدمات اساسی	محدودیت‌های مادی	
بی‌سوادی، فقدان مهارت‌های حرفه‌ای	ضعف سرمایه فرهنگی	
اثر ذاتی حوادث منفی، شرم ناشی از حوادث منفی	حوادث منفی زندگی	شکست هنجار- پیوند
نگرانی‌های مرتبط با زنان مجرد، آسیب‌پذیری زنان مجرد	طرد ناشی از مجرد	
سلطه قدرت مردانه	مردسالاری	
ترس، تنفر، احساس معذب بودن	عواطف منفی	
انزواگزینی، اجتناب از دریافت حمایت طردآمیز	اجتناب از ادغام اجتماعی	
مبارزه با شرایط، ابراز وفاداری	تلاش برای ادغام مجدد	
تعداد مفاهیم و مقولات	۲۰	۹
		۱

رویکرد منفی به فقرا

این مقوله اصلی خود از سه مفهوم اولیه «بی‌اعتمادی به فقرا»، «نگرش به فقرا به‌مثابه تهدید» و «طعن‌زنی به فقرا» به‌دست آمده است. مفهوم بی‌اعتمادی به فقرا بیانگر این است که در زندگی روزمره، اعتماد معمول و کافی به این دسته از زنان وجود ندارد. لذا در مواقع نیاز (مثلاً قرض گرفتن، نیاز به ضمانت وام و...) کمک و همکاری لازم با آنها انجام نمی‌شود. این تصور وجود دارد که در آینده آنها نخواهند توانست کمک مادی را جبران کنند. زهرا^۱ ۳۷ ساله، با تحصیلات دوم راهنمایی و خانه‌دار می‌گوید:

همین دیروز نیاز شدید به بیست تومن پول داشتم. زنگ زدم به همسایه قبلی که آرایشگاه داره، بهش می‌گم: «می‌تونی بهم کمک کنی تا چند روز که یارانه گرفتم پس بدم؟» برگشته به من می‌گه: «طلا یا امانتی داری پیشم بذاری؟»

«طعن‌زنی به فقرا» در زندگی زنان فقیر عامل دیگری است که باعث طرد آنها از بعضی حوزه‌های اجتماعی می‌شود. زیستن در فقر ذاتاً خصلت بدنام‌کنندگی دارد و زنان فقیر به علت فقیربودن به دیده ظن و تردید نگریسته می‌شوند. آنها به علت فقیربودن تجربه‌های تلخ و طعنه‌آمیزی از روابط خود با دیگران دارند. مریم ۳۰ ساله، با تحصیلات ابتدایی و خانه‌دار می‌گوید:

همسایه‌های قبلی طعنه زیادی می‌زدن. مثلاً می‌گفتن: «بدبخت چرا می‌گذاری بچه‌دار بشی؟ خیلی وضعت خوبه؟» یا می‌گفتن: «بابا این وضعت خوبه، یارانه می‌گیره، سبد کالا می‌گیره.» این حرف‌ها اذیتم می‌کرد. واقعاً داغونم کرد این حرف‌ها. باعث شد از همه بترسم و رابطه رو قطع کنم.

«فقرا به‌مثابه تهدید» بیانگر این است که معاشرت با زنان فقیر از سوی دیگران همچون تهدیدی بر کسر شأن اجتماعی و احترام آنها تصور می‌شود. چنین تصویری باعث می‌شود پیوندهای اجتماعی صمیمی و نزدیک با آنها کمتر شکل گیرد. معصومه ۵۲ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار در مورد علت دوری جستن فرزند پسرش چنین می‌گوید:

پسرم می‌گه: «نمی‌خوام با خانواده‌ای رفت‌وآمد کنم که هیچ‌کس تحویلش نمی‌گیره. آبروم پیش دوست‌هام می‌ره.» من بهش می‌گم: «ما نیازی به پولت نداریم. فقط به ما سر بزن.» ولی اون می‌گه: «همسرم اجازه نمی‌ده و می‌گه خانواده تو از قشر پایین هستن.»

۱. به دلیل اطلاعات شخصی مندرج در مصاحبه‌ها و رعایت مسائل اخلاقی، در تحقیق از اسامی مستعار استفاده شده است.

طرد ناشی از تجرد

براساس این مقوله کلان، تجرد با شیوه‌ها و سازوکارهایی بر طرد زنان فقیر تأثیر دارد. این مقوله از دو مفهوم اولیه «نگرش منفی به زنان بدون شوهر» و «آسیب‌پذیری زنان مجرد» به‌دست آمده است.

زنان فقیر که بیشتر در نقش‌های سنتی محدودند، امنیت و اعتبار اجتماعی‌شان را از طریق ازدواج و بودن کنار همسرانشان به‌دست می‌آورند و با از دست دادن همسر یا جداشدن از آن در معرض ارزیابی منفی و درنهایت طرد از انواع روابط یا فعالیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. باید توجه کرد که این دسته از زنان به علت ساختار حاکم بر زندگی‌شان اکثراً در حوزه‌ها و مشاغل غیررسمی حضور دارند و در این حوزه‌ها در مقابل نگرش‌های منفی آسیب‌پذیرند؛ مثلاً، یک زن بدون شوهر در بعضی عرصه‌ها ممکن است همانند یک دردسر نگریسته شود و این نوع نگرش درنهایت به طرد وی منجر می‌شود. پروانه ۲۸ ساله، دیپلمه و مجرد در مورد تجربه‌ی اخراج از شغل غیررسمی‌اش می‌گوید:

وقتی جویای قضیه شدم و پرسیدم که من کارم خیلی خوب بود چرا گفته‌ن که من رو نفرستید؟ از شرکت، صاحب‌کارم گفت که این خانواده می‌گه ما پسر مجرد داریم و دوست نداریم زن جوون بفرستید برای کار. یا لااقل کسی رو بفرستید که با همسرش بیاد و دونفری کار کنن.

در مواقع دیگر، حضور زنان بدون شوهر در بعضی عرصه‌ها فرصتی برای کامجویی برای مردان نگریسته می‌شود. در هر حال، حتی زمانی که به‌عنوان عامل نگرانی یا فرصت نگریسته نشود، خود تجرد باعث آسیب‌پذیری و درنهایت طرد آن‌ها از بعضی امتیازها می‌شود. رقیه ۲۳ ساله، که به‌تازگی مدرک لیسانس گرفته و مجرد است، چنین می‌گوید:

هرجا می‌رم کار کنم، می‌پرسن مجردی یا متأهل؟... وقتی می‌گم مجردم، همه برنامه‌ها عوض می‌شه.

رفتارهای طردآمیز نسبت به یک زن مجرد، به‌ویژه هنگامی که فقرش آشکار شود، با شدت بیشتری صورت می‌گیرد. فاطمه ۴۰ ساله، دارای تحصیلات راهنمایی و خانه‌دار، که به‌تازگی طلاق گرفته و حضانت فرزند خردسالش را برعهده گرفته است، می‌گوید:

یه روز تصمیم گرفتم برم یه خونه برای خودم اجاره کنم. وقتی گفتم شوهر ندارم و وضعیت مالی خودم رو گفتم، انگار که جذام دارم. همه بنگاه‌ها جواب رد دادن. خیلی رُک بهم گفتن خونه نداریم.

مردسالاری

«سلطه قدرت مردانه» نیز از عوامل دیگر طرد زنان فقیر است. در زندگی بعضی از زنان، تصمیمات و کنترل مردان خانواده (به‌ویژه همسر یا پسران بزرگسال) باعث طرد آن‌ها از بعضی

فرصت‌ها، منابع و ارتباطات می‌شود. کنترل مردان خانواده گاهی به صورت مستقیم (دستور دادن، اجازه ندادن...) و گاه به شکل غیرمستقیم از طریق کنترل لباس، خرجی ندادن، ... انجام می‌گیرد. حمیده ۳۹ ساله، زیر دیپلم و خانه‌دار می‌گوید:

شوهرم با کار کردن زن مخالف بود و هرچقدر اصرار کردم راضی نشد. گفت: «بچه رو کی نگه می‌داره؟ زن چرا باید کار کنه؟ زن وظیفه‌اش نگه داشتن بچه‌ست.»

زهره، ۳۷ ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و خانه‌دار می‌گوید:

از اینکه شوهرم نمی‌دازه چیزی که دوست دارم و رنگی که دوست دارم بپوشم، برا همین همیشه حس می‌کنم لباسی ندارم بپوشم. واسه همین تا جایی که بتونم بهونه می‌آرم که سرما خوردم بدنم درد می‌کنه یا سردرد دارم و نمی‌رم.

محدودیت‌های مادی

مقوله «محدودیت‌های مادی» بیانگر آن است که فقر به خودی خود، مانع از شکل‌گیری انسجام و ادغام اجتماعی در بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی می‌شود و از سه مفهوم اولیه «ناتوانی در مصرف کالا»، «ناتوانی در تبادل هدایا» و «ناتوانی در دسترسی به خدمات اساسی» تشکیل می‌شود.

زنان فقیر به علت ناتوانی در مصرف کالا و نشانه‌هایی که معمولاً دلالت بر یک زندگی شایسته دارد، در بسیاری از جمع‌ها و محافل احساس شرم می‌کنند و سعی می‌کنند کمتر در آن‌ها حضور یابند؛ مثلاً، سربیه ۳۵ ساله، دیپلمه و خانه‌دار می‌گوید:

بعد از به دنیا اومدن دومین دخترم، رفتم کلاس خیاطی. خیلی علاقه داشتم و الگوهای دامن رو یاد گرفتم، ولی پول نداشتم که بتونم پارچه بخرم و الگوها رو روی پارچه بیارم. دیگه خجالت کشیدم و سر کلاس‌هام نرفتم.

این دسته از زنان همچنین در شبکه روابط خود با دیگران، قدرت عمل به انتظارات متقابل و مبادله‌های مادی و نمادین را ندارند و خودشان به صورت داوطلبانه از مشارکت در این‌گونه مبادله‌ها اجتناب می‌کنند. واضح است که این نوع طردها از نوع خودخواسته نیستند، زیرا زنان فقیر با اراده کاملاً آزاد به این نوع طردها مبادرت نمی‌کنند و تحت فشار انتظارات اجتماعی، طرد غیرارادی را تجربه می‌کنند. عزیزه ۴۴ ساله، دارای تحصیلات راهنمایی و خانه‌دار می‌گوید:

زیاد اتفاق افتاده مثلاً به مراسمی مثل عروسی یا جشنی دعوت شدم و نرفتم چون از لحاظ مالی مشکل دارم. نمی‌تونم دست خالی برم. برای همین نمی‌رم حالا بهانه‌ای سر و ته می‌کنم.

بعضی مواقع نیز در صورت شرکت در چنین انتظارات متقابل، سازوکارهای روانی و زبانی طرد به کناره‌گیری آن‌ها از روابط و حوزه‌های اجتماعی منجر می‌شود. مهسا ۲۲ ساله و دانشجو می‌گوید:

توی عروسی دخترخاله‌ام زن دایی‌ام اون قدر با کنایه به لباس‌های من و کادویی که دادیم تأکید کرد که من برای شام نمودم و برگشتم خونه به بهونه درس.

«ناتوانی در دسترسی به خدمات اساسی» عامل دیگری است که باعث طرد زنان فقیر شهری می‌شود. به نظر می‌رسد داشتن حداقل توان مالی، شرط اولیه و مهم استفاده از منابع، فرصت‌ها و خدمات اساسی مثل مراکز درمانی، خدمات بانکی، مکان‌های تفریحی و... است. اکرم ۴۳ ساله، که بی‌سواد و خانه‌دار است، در خصوص علت مراجعه‌نکردن به مراجع قضایی در خصوص اذیت و تهمت صاحب کار قبلی‌اش می‌گوید:

مفت و مجانی دادگاه به کار آدم نمی‌رسه. نمی‌تونم «پیگیری کنم». باید فیش بریزی، پول بدی... من هم که پول و بودجه کافی نداشتم پیگیر (شکایت) نشدم. مرضیه ۳۱ ساله، دیپلمه و خانه‌دار می‌گوید:

برای انجمن اولیای مدارس می‌ری، باید کمک مالی و نقدی کنی. برای همین نمی‌رم. یکی دیگر از زنان مصاحبه‌شده می‌گوید:

الان نیاز شدید به چکاپ دارم، ولی نمی‌تونم به علت هزینه زیاد برم (پزشک).

ضعف سرمایه فرهنگی

یکی از عوامل کلیدی در طرد اجتماعی زنان فقیر شهری، ضعف سرمایه فرهنگی است. این مقوله کلان از دو مفهوم اولیه «بی‌سوادی» و «فقدان مهارت‌های حرفه‌ای» تشکیل شده و بیانگر آن است که زنان فقیر به دلیل سواد ناکافی، نداشتن مهارت‌ها و توانمندی‌های شغلی—حرفه‌ای از مشارکت فعال در حوزه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه حوزه‌های رسمی طرد شده‌اند. سیما ۳۳ ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و خانه‌دار می‌گوید:

خیلی جاها چوب بی‌سوادی‌م رو خوردم. حداقل اگر راهنمایی خونده بودم، الان پیش یه دکتر منشی می‌شدم. عاطفه ۵۵ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار می‌گوید:

برای شرکت در انجمن اولیای مدارس از همه مهم‌تر سواد درست و حسابی می‌خواد که ندارم.

بعضی مواقع فقدان سواد حتی بر یادگیری مهارت‌های حرفه‌ای نیز تأثیر می‌گذارد و تلاش برای ادغام را بی‌نتیجه می‌کند. مریم ۳۵ ساله، دارای تحصیلات سوم راهنمایی و خانه‌دار می‌گوید:

با مشکلات فراوان دوره آرایشگری رفتیم. از لحاظ سواد دچار مشکل شدم. بعضی از اصطلاحات انگلیسی بود و در حد لیسانس بود، ولی چون تحصیلات من کم بود، متوجه نمی‌شدم و به کار و پیشرفتم لطمه می‌زد. چون نمی‌تونستم یاد بگیرم، ول کردم (کنار گذاشتم).

حوادث منفی زندگی^۱

مقوله اصلی دیگر حوادث منفی زندگی است که منظور از آن وقایعی است که در جریان زندگی زنان مطالعه شده رخ داده و بر فرایند طرد آن‌ها تأثیر گذاشته یا ادغام آن‌ها را در حوزه‌های مختلف دشوار کرده است. تقریباً همه پاسخ‌گویان به حادثی اشاره داشته‌اند که بر زندگی‌شان تأثیر گذاشته و به نوعی باعث حاشیه‌نشینی اجتماعی آن‌ها شده است. مقوله اصلی «حوادث منفی زندگی» از دو مفهوم «اثر ذاتی حوادث منفی» و «شرم ناشی از حوادث منفی» تشکیل شده است. منظور از «اثر ذاتی حوادث منفی»، تأثیر حادثه منفی در قطع پیوندهای اجتماعی و یا گسست از فرصت‌ها و منابع است. فاطمه ۴۸ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار می‌گوید:

اقوام که تا خونه داشتم و شوهر، همه‌شون رفت‌وآمد می‌کردن. همین که جدا شدم (طلاق) خونه من رو ترک کردن.

در بیشتر مواقع، وقوع حوادث نه به خودی خود، بلکه به دلیل درک زنان از حوادث و به‌ویژه تصور خدشه‌دار شدن حیثیتشان باعث طرد می‌شود. معصومه ۳۰ ساله، دارای تحصیلات راهنمایی و خانه‌دار، که همسرش زندانی است و نوزادش به‌تازگی به دلیل بیماری زردی و کم‌خونی و ضعف در مراقبت فوت کرده، می‌گوید:

می‌خوام بگم خودم رفت‌وآمد نمی‌کنم. چون پیش همسایه‌ها سرافکنده هستم. از سؤال‌هاشون می‌ترسم. اگه بپرسن چرا بچت مُرد چی بگم؟ یا بپرسن همسرت کجاست؟ چی بگم؟

هنگامی که تأثیر حوادث ناگوار زندگی را بین زنان مختلف مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که تأثیر این‌گونه حوادث به وجود یک بستر آسیب‌پذیر وابسته است؛ مثلاً، وقتی حمایت‌هایی از سوی اعضای خانواده، دوستان و آشنایان در زمان وقوع حوادث وجود داشته باشد، تأثیر این‌گونه حوادث کاهش می‌یابد. در زندگی بعضی از زنان، فقدان حمایت‌های اجتماعی و ضعف مهارت‌های شخصی در مواجهه با حادثه باعث می‌شود یک حادثه منفی (مثلاً طلاق) نقطه شروع انواعی از طردها (مثل طرد از روابط خویشاوندی، ملاقات فرزند، پیوندهای خانوادگی و...) شود.

شبکه‌های اجتماعی ضعیف و فقر بین نسلی

شبکه‌های اجتماعی ضعیف و فقر بین‌نسلی در بُعد زمینه پدیده (طرد) قرار می‌گیرند. زمینه مربوط به پدیده در واقع همان محل حوادث و وقایع متعلق به یک پدیده است که در طول طیف بُعدی، بیانگر سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل انجام می‌گیرد [۱۱]. اگرچه برخی محققان طرد اجتماعی را به‌منزله فقر شبکه‌ای یا ضعف شبکه‌های

1. the misadventure events of life

اجتماعی به کار برده‌اند و وجوه مشترکی بین این مفاهیم وجود دارد [۱۴]، شبکه‌های اجتماعی ضعیف بستر وقوع فرایندهای طرد نیز است. شبکه‌های اجتماعی زنان فقیر به لحاظ ویژگی‌ها، غیررسمی، مشابه و از لحاظ صمیمیت، ضعیف‌اند. این دسته از زنان شهری از سویی از حمایت پیوندهای نیرومند درون گروهی محروماند و از سوی دیگر به علت فقدان پیوندهای بین گروهی یا آنچه گواترر «پیوندهای سست» می‌نامد، از فرصت‌ها و امکانات جامعه گسترده‌تر بی‌اطلاع و محروماند. صدیقه ۵۲ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار می‌گوید:

فقط با خدای خودم. با هیچ کس مشورت نمی‌کنم. مشکلم رو خودم حل می‌کنم و با همسر زمین‌گیرم مشورت می‌کنم.

مهری ۴۶ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار می‌گوید:

همه مثل من به‌جور بدبختی دارن. وضعشون طوری نیست که بتونن کمک بکنن.

مفهوم «فقر بین‌نسلی» نشان‌دهنده این است که فقر زنان مطالعه‌شده پدیده‌ای موقتی نیست و در دوره‌ای طولانی تداوم داشته و به تدریج منابع و فرصت‌های ادغام زنان فقیر را به تحلیل برده است. یکی از پاسخ‌گویان می‌گوید:

در دوره دوم راهنمایی به دلیل فقر پدرم و کار در مزرعه از تحصیل موندم.

تلاش برای ادغام مجدد

این مقوله شامل دو مفهوم «مبارزه با شرایط» و «ابراز وفاداری» است. براساس شیوه «مبارزه با شرایط» زنان فقیر تلاش می‌کنند تا فعالیتی اجتماعی «مثل تحصیل، شغل، ...» را با وجود حاکم‌بودن وضعیت شکننده و آسیب‌پذیر بودن تداوم بخشند.

لیلا ۲۰ ساله، مجرد و دانشجو می‌گوید:

من الان توی شهر غریب با هزار مصیبت و قسم تونستم ثبت نام کنم و خوابگاه بگیرم. یک (قطعه) طلا داشتم که فروختم و دو ترم رو به اینجا رسوندم... من گدا نیستم، ولی حاضرم گدایی کنم ولی درس بخونم. می‌ترسم نتونم درسم رو ادامه دهم.

مفهوم «ابراز وفاداری» نیز بیانگر کوشش‌هایی است که بعضی مواقع جهت تقویت پیوندهای اجتماعی شکننده از سوی زنان فقیر به کار می‌رود. اعظم ۲۷ ساله، مجرد و دیپلمه که از یک زن سالمند پرستاری می‌کند، می‌گوید:

تو این خونه که (به‌عنوان) همدم می‌آم، اوایل (رفتار) خانمم خیلی سرد بود و باهام حرف نمی‌زد... از دخترهاش غذای مورد علاقه‌اش رو پرسیدم و براش می‌پختم... با اینکه وظیفه‌ام نبود. کم‌کم ازش خواستم باهام بیرون بیاد. اوایل خیلی سخت بود، اما بعدها انگار به دلش نشست به‌بودم. الان دیگه مثل دخترش شده.

البته در بسیاری از مواقع تلاش زنان فقیر برای ادغام مجدد و حضور در عرصه‌های اجتماعی موفقیت‌آمیز نیست.

اجتناب از ادغام اجتماعی

مقوله «اجتناب از ادغام اجتماعی» در بعد پیامدهای طرد اجتماعی قرار می‌گیرد و شامل دو مفهوم «انزواگزینی» و «اجتناب از حمایت پردازد آمیز» است. در زندگی زنان مطالعه‌شده مشاهده می‌شود که به دنبال حاشیه‌نشینی اجتماعی و رانده‌شدن از بعضی روابط و حوزه‌های اجتماعی، تمایل به انزواگزینی به وجود می‌آید. به این شکل که زنان فقیر در واکنش به وضعیت طردشدگی، به تدریج خودشان سطح روابط و رفت‌وآمدهای خصوصی و خانگی‌شان را کاهش می‌دهند و روابط خود را با دیگران بسیار محدود می‌کنند. شیما ۳۰ ساله، زیر دیپلم و خانه‌دار که دو سال قبل طلاق گرفته است می‌گوید:

دو سه سالیه که از خیلی جاها پام رو کشیدم کنار. از نگاه‌های مردم، از طعنه‌هاشون، از زخم زبون‌هاشون دیگه خسته شدم.

مهناز ۲۹ ساله، زیر دیپلم و خانه‌دار که در محله فقیرنشین زندگی می‌کند، می‌گوید:

برادرم انگار خجالت می‌کشه بیاد محله ما، من هم با سکوت و سرزدن بهشون جوابش رو می‌دم.

بعضی مواقع رفتارهای پردازد آمیز کلامی و غیر کلامی مثل سرزنش‌ها و نگاه‌های ترحم‌آمیز و... علیه زنان فقیر آن‌چنان صورت صریح به خود می‌گیرد که به تدریج باعث اجتناب از دریافت بعضی از حمایت‌ها می‌شود؛ مثلاً، کبری ۵۴ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار می‌گوید:

از هیچ‌کدوم (خویشان) تو این چند سال کمک مالی نخواستم. داشتم خوردم، نداشتم گرسنه موندم، ولی حاضر نشدم به خاطر چند تومن پول طعنه بشنوم.

عواطف منفی

مقوله کلان «عواطف منفی»^۱ از پیامد روان‌شناختی طرد است. براساس این مقوله، زنان فقیر در بسیاری از روابط و فعالیت‌های اجتماعی، احساس راحتی و آرامش نمی‌کنند. این مقوله دربرگیرنده سه مفهوم «تنفر»، «ترس» و «احساس معذب بودن» است. بعضی مواقع به دنبال سازوکارهای روانی، زبانی و اجتماعی طرد، که در روابط زنان فقیر با دیگران وجود دارد، احساس تنفر شکل می‌گیرد. سمانه ۲۱ ساله، مجرد و دانشجوی دوره کارشناسی می‌گوید:

تو جمع خوابگاه هیچ‌کس باهام خوب نبود، چون غذاهایی مثل غذاهای اون‌ها رو نمی‌خوردم... بی‌محلی زیادی بهم می‌کردن... همه‌شون خانواده‌هاشون زود زود به اون‌ها سر می‌زد، ولی من بدون هیچ گناهی طرد شدم و رهام کردن. برا همین از جمع بودن (از حضور در جمع) نفرت دارم. تو جمع خوابگاه برای جشن و مهمونی و مولودی شرکت نمی‌کنم و خودم رو از همه سوا می‌کنم.

پروانه ۴۳ ساله، زیر دیپلم و خانه‌دار که به‌تازگی دخترش طلاق گرفته و مکرراً رفتارهای طردآمیز از سوی دیگران تجربه کرده می‌گوید:

هر وقت می‌رم بیرون، نگران نگاه‌های همسایه‌ها هستم... از وقتی دخترم توی زندگی‌اش شکست خورده و طلاق گرفته و به‌خونه برگشته، نگاه مردم به ما عوض شده و رابطه‌مون سردتر شده. حرف‌های نامربوط پشت سر بچه‌ام می‌زنن... تازگی‌ها از همسایه‌ها، از همه، متنفر شده‌م نمی‌خوام هیچ‌کس رو ببینم.

«ترس» (ترس از تحقیر شدن، طعنه‌ها، بی‌احترامی...) و «احساس معذب بودن» از سایر پیامدهای طرد اجتماعی است که در زندگی زنان فقیر مطالعه‌شده مشاهده می‌شود. باید اشاره کرد که طعنه‌ها و تحقیرها در بُعد علت طرد هستند، ولی به‌دنبال تجربه‌های منفی طرد، ترس و نگرانی شکل می‌گیرد که ضمن بازتولید طرد، از پیامدهای روانی طرد نیز است. سمیه ۴۶ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار که همسرش فوت کرده، در مورد علت کناره‌گیری از بعضی روابط خانگی و خصوصی‌اش می‌گوید:

بد برداشت می‌کنن. می‌گن این زن شوهر نداره می‌ره خونه فلانی. من از حرف و حدیث می‌ترسم.

احساس معذب‌بودن نیز بعضی مواقع به‌دنبال تجربه رفتارهای طردآمیز شکل می‌گیرد: طیبه ۳۴ ساله، دیپلمه و خانه‌دار می‌گوید:

چند بار جلسه اولیای مدرسه دخترم بود، نتونستم برم و چند بار از مدرسه دختر بزرگم دعوت کردند نتونستم برم. احساس بدی دارم. با حرکات و رفتار مردم احساس می‌کنم همه از جریان زندگی‌ام (حوادث منفی زندگی) باخبرن.

نادره ۴۵ ساله، بی‌سواد و خانه‌دار می‌گوید:

من هم دوست داشتم راحت به مجلسی برم و بدون خجالت و سرافکنندگی سر بلند کنم. فقط از شرکت در مراسم معذب هستم، چون پول کافی ندارم مثل مردم بپوشم، سواد کافی ندارم مثل مردم حرف بزنم. فکر می‌کنم اکثر مردم دنبال مادیات هستن و من رو تو خودشون راه نمی‌دن.

به‌طور کلی پیامدهای طرد اجتماعی برای زنان فقیر منفی است. این پیامدها به تدریج باعث تحکیم و تداوم طرد اجتماعی و موقعیت حاشیه‌ای زنان فقیر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های این تحقیق پنج علت اصلی شامل ۱. رویکرد منفی به فقرا، ۲. طرد ناشی از تجرد، ۳. محدودیت‌های مادی فقر، ۴. فقدان سرمایه فرهنگی، ۵. حوادث منفی زندگی بر شکل‌گیری طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری تأثیر دارد. از آنجا که مفهوم طرد عنصر

عاملیت را دربر می‌گیرد و بر هر دو گروه طردکنندگان و طردشوندگان تمرکز دارد، می‌توان این علل را به شکل زیر تقسیم کرد.

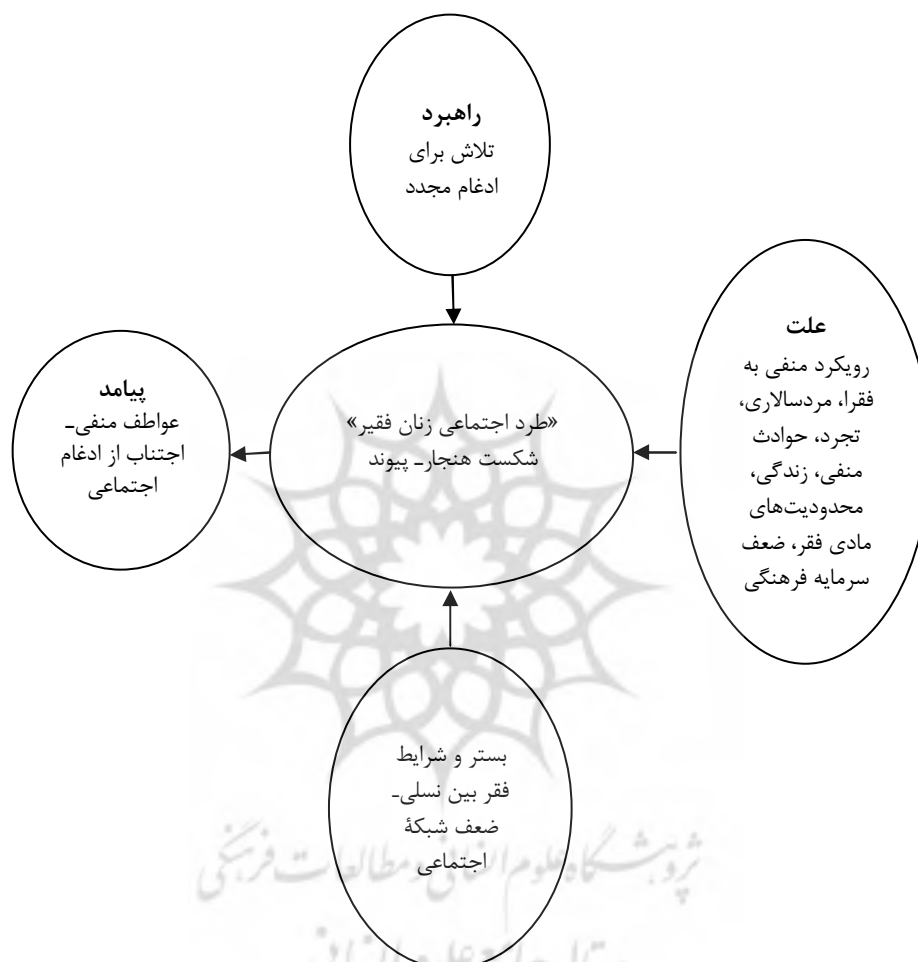
جدول ۲. دسته‌بندی علل طرد

رویکرد منفی به فقرا طرد ناشی از تجرد مردسالاری	علل مربوط به طردکنندگان
محدودیت‌های مادی فقر فقدان سرمایه فرهنگی	علل مربوط به طردشوندگان
حوادث منفی زندگی	علل مربوط به طردکنندگان و طردشوندگان

همان‌طور که در جدول ۲ می‌بینیم، مقوله حوادث منفی زندگی به‌طور مشترک هم به ویژگی‌های جامعه (مثلاً ضعف مراکز حمایتی، نگرش‌های مردم، ارزش‌ها، ...) و هم به ویژگی‌های طردشوندگان (مثلاً مرگ نزدیکان، بیماری، فقدان مهارت‌های شخصی، طلاق، ...) مرتبط است.

بیشتر مقولات به‌دست‌آمده در خصوص طرد اجتماعی را می‌توان شرایط عدم دستیابی به ایده‌آل‌های هنجاری جامعه تعریف کرد. در واقع، بیشتر مقولات به‌دست‌آمده در خصوص این پدیده، بیان‌کننده نوعی شکست در دستیابی به هنجارهای مورد پذیرش جامعه (در حوزه خانواده، مصرف، وضعیت تأهل، ...) هستند. ناتوانی در دستیابی به هنجارهای غالب باعث شکل‌گیری سازوکارهای طرد و در نهایت قطع پیوند اجتماعی یا ناتوانی در دسترسی به فرصت‌ها و منابع اجتماعی می‌شود؛ مثلاً، در حوزه خانوادگی تصویری از خانواده بهنجار وجود دارد و مقوله «حوادث منفی زندگی» (مثل طلاق، اعتیاد اعضای خانواده، ...) باعث شکست این سطح هنجار می‌شود یا در حوزه توانایی‌های فردی، سطحی بهنجار از این‌گونه توانایی‌ها در جامعه وجود دارد و مقوله «ضعف سرمایه فرهنگی» باعث پایین‌بودن از سطح مذکور و در نتیجه طرد از بعضی فرصت‌ها و حوزه‌ها می‌شود. یا در حوزه مصرف، مقولات مرتبط با فقر بیان‌کننده نقض هنجار در این حوزه بوده و در نتیجه باعث رانده‌شدن زنان فقیر از بعضی قلمروهای اجتماعی می‌شود. این مقولات نشان می‌دهند که طرد اجتماعی با نقض هنجار شروع می‌شود. از سوی دیگر، مقوله «تلاش برای ادغام مجدد»، که در بُعد راهبرد قرار می‌گیرد، بیان‌کننده تلاش برای رسیدن به سطح هنجار مورد پسند و ایجاد پیوند اجتماعی است. مقولات ساختاریافته در بستر پدیده نیز شرایط ساختاری را در نقض هنجار به‌وجود می‌آورند. بنابراین، مقوله‌هایی که بتواند کل فرایند شکل‌گیری طرد را دربر گیرد و ارتباط منطقی بین مقولات عمده داشته باشد، با عنوان «شکست هنجار- پیوند» مطرح می‌شود. براساس این مقوله‌نهایی، زنان فقیر فاقد صلاحیت شرکت کردن در الگوی بهنجار در قلمروهای جامعه‌اند. به عبارت دیگر،

این دسته از زنان، بنا به شرایطی که خارج از کنترل آنهاست، به صورت غیرارادی هنجارهای مورد پذیرش جامعه را در بعضی قلمروهای جامعه نقض کرده‌اند.



مدل مفهومی شکل‌گیری طرد اجتماعی زنان فقیر به مثابه شکست هنجار- پیوند

به دنبال نقض هنجار، شکل‌های بسیار ظریفی از خواری‌سازی^۱ از سوی طردکنندگان به وجود می‌آید و پیوند اجتماعی از هم گسیخته می‌شود. این فرایند در مواقع بسیار به طرد دوجانبه همراه با عواطف منفی از سوی طردشوندگان منجر می‌شود (مقولات ساختاریافته در بُعد پیامد پدیده). البته شکست در یک حوزه (مثلاً ناتوانی در دستیابی به هنجارهای غالب

1. humiliation

در حوزه زندگی خانوادگی که بعضی از حوادث منفی مسبب این شکست هستند) به همراه سایر شکست‌ها و تعدد نقص‌ها، دلیل مسلم طرد است. آن چیزی که زنان فقیر شهری را در معرض طرد عمیق قرار می‌دهد، همین تعدد شکست‌ها و اثر تقویت‌کننده این شکست‌ها بر یکدیگر است.

به نظر می‌رسد برای فهم علل محرومیت زنان فقیر به «تفکر خرد»^۱ و توجه بیشتر به ریشه‌های غیردرآمدی محرومیت وجود نیاز دارد. از آنجا که طرد اجتماعی در سطوح ساختاری متفاوت عمل می‌کند، طراحی مداخلات اجتماعی نیز باید در سطوح متفاوتی از جامعه صورت گیرد. جدول ۳ سیاست‌گذاری متناسب با هریک از علل طرد را پیشنهاد می‌دهد:

جدول ۳. سیاست‌گذاری متناسب با هریک از علل طرد

علت	سطح مداخله	سیاست‌گذاری
رویکرد منفی به فقرا	کلان	تقویت وضعیت شهروندی، آموزش به مردم جهت تغییر نگرش و رفتار
محدودیت‌های مادی	خرد- کلان	خودکفاسازی- اصلاح نظام رفاهی
حوادث منفی زندگی	خرد	راهکارهای بالینی مقابله با حوادث منفی
تجرد	کلان	آموزش به مردم جهت تغییر نگرش و رفتار
ضعف سرمایه فرهنگی	خرد- میانه	توانمندسازی- تقویت مراکز حمایتی
مردسالاری	کلان	اقدامات در سطح نظام قانونی و فرهنگی

جدول ۳ نشان می‌دهد حاشیه‌نشینی و طرد زنان فقیر نیازمند اقداماتی در سطح فردی، نهادی و اجتماعی است. بنابراین، طرد آن‌ها صرفاً با اقدام خود آن‌ها از بین نمی‌رود. این دسته از زنان شهری، علاوه بر محرومیت‌های ناشی از فقر درآمدی، دچار انواع محرومیت‌های مزمن (مثل محرومیت‌های ناشی از تبعیض، اخراج یا بیکاری، بیماری‌های مزمن یا حاد، بی‌سواد و کم‌سوادی، فقدان مهارت‌های حرفه‌ای، انزوا و...) هستند. چنین وضعیتی، لزوم توانمندسازی روانی، اجتماعی و فرهنگی زنان فقیر را مطرح می‌کند. تحقیق حاضر اگرچه در سطح خرد و زندگی روزمره به مطالعه طرد اجتماعی زنان فقیر پرداخته است، ولی نباید از نقش سازمان‌ها و نهادهای کلان جامعه در شکل‌گیری پدیده طرد اجتماعی غافل ماند. بررسی درخصوص نقش این‌گونه عوامل می‌تواند تحقیقات سطح خرد را تکمیل کند. ضمناً گروه‌های جمعیتی دیگری نیز وجود دارد که در معرض طرد اجتماعی قرار دارند (همچون جوانان، کودکان خیابانی، افراد مبتلا به ایدز، گروه‌های قومی و زبانی و...) که پیشنهاد می‌شود مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرند.

منابع

- [۱] ارشدی، نسرین؛ پیریانی، صالحه؛ زارع، راضیه (۱۳۹۲). «نقش تعدیل‌کننده صفات شخصیتی در رابطه بین ادراک طردشدگی در محیط کار و رفتارهای انحرافی محیط کار»، *مجله علوم رفتاری*، س ۶، ش ۳ ص ۲۲۱-۲۳۰.
- [۲] بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹). «طرد اجتماعی اقوام در آیین آمار: بررسی بودجه‌های استان‌های ترک‌نشین و کردنشین»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۴، ش ۲.
- [۳] حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های تحقیق کیفی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات.
- [۴] دیهیم، حمید؛ معصومه، وهابی (۱۳۸۲). «دسترسی زنان به اعتبارات نظام بانکی»، *مجله پژوهش زنان*، س ۲، ش ۷، ص ۸۵.
- [۵] ریتزر، جرج؛ داگلاس جی. گودمن (۱۳۹۲). *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۶] ریتزر، جرج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، چ ۱۵.
- [۷] زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۳). «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، چالش‌های نوین»، *مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*، تهران: دانشکده علامه طباطبایی.
- [۸] سیدمن، استیون (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۹] شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، *فصل‌نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۴، ش ۱۷، ص ۲۳۶-۲۴۴.
- [۱۰] صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ نصرافهانی، آرش (۱۳۸۹). «اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س اول، ش ۴، ص ۱-۱۶.
- [۱۱] طالب، مهدی؛ فیروزآبادی، سید احمد؛ پیری، صدیقه (۱۳۹۰). «مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۹، ش ۲، ص ۱۵۵.
- [۱۲] غفاری، غلامرضا؛ امیدی، رضا (۱۳۸۹). «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطروذیت اجتماعی»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۴، ص ۳۷.
- [۱۳] فیروزآبادی، سید احمد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س اول، ش اول، ص ۲۷-۲۹.

- [۱۴] فیروزآبادی، سید احمد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). «طرد اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت»، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۵] قاضی‌نژاد، مریم؛ ساوالان‌پور، الهام (۱۳۸۷). «بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد»، *مسائل اجتماعی ایران*، ش ۶۳، ص ۱۴۷-۱۴۸.
- [۱۶] محمدپور، احمد؛ بوستانی، داریوش؛ علیزاده، مهدی (۱۳۹۱). «ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی *رفاه اجتماعی*، س ۱۲، ش ۴۶.
- [۱۷] محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، ج ۲*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۸] محمدی، بیوک (۱۳۸۷). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۱۹] محمودی، وحید؛ صمیمی‌فرد، سید قاسم (۱۳۸۴). «فقر قابلیت»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی *رفاه اجتماعی*، س ۴، ش ۱۷، ص ۵۷.
- [۲۰] ملک، حسن (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، تهران: پیام نور.
- [۲۱] نوروزی، لادن (۱۳۸۳). «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، *مجله پژوهش زنان*، س ۲، ش ۱۷۷.
- [22] Abe AK. *Social Exclusion and Earlier Disadvantages: An Empirical Study of Poverty and Social Exclusion in Japan*. Social science Japan Journal. 2009: 13(1), PP 5-30.
- [23] Bayram, N. and Aytac, s. and Aytac, M. and Sam, N. and Bilgel, N. (2011), "measuring social Exclusion: a study from Turkey", *Mediterranean journal of social sciences*, vol 2(3), PP 285-290.
- [24] Kenyon, S (2003). "understanding social exclusion and social inclusion, Proceedings of the institution of civil Engineers", *Municipal Engineer* 156 , Issue ME2, , PP 97-107.
- [25] O'Brien, M. and Penna, S (2008). *social exclusion in Europe: some conceptual issues*, International social Welfare, 17: P 85.
- [26] Pushmana, p. (2013), *Access to marriage and reproduction among migrants in Antwerp and Stockholm* , A longitudinal approach to processes of social inclusion and exclusion , the history of family , vol 19: P 65
- [27] Silver, H (1995), *Reconceptualizing social disadvantage: three paradigms of social Exclusion*, International institute labor Review, ABI/information Global.vol.133.5.6.
- [28] Todman, L. C (2004). *reflection on social exclusion: what is it? How is it different from U. S.* Conceptualizations of Disadvantage? Available at: www.citeseerx.ist.psu.edu
- [29] Vrooman, J. Cok and Hoff, Stella (2012). *the disadvantaged Among the Dutch: A survey Approach to the multidimensional measurement of social Exclusion*, Soc Indic Res, 113.